

بسیج عمومی

به مثابه الگوی حکمرانی مردمی

سلسله مراقب، بازار و شبه بازار، شبکه، مردمی سازی

دی ۱۴۰۳



بیانات در مراسم پنجمین سالگرد شهادت شهید حاج قاسم سلیمانی

۱۴۰۳/۱۰/۱۲

- مطلب دوم اینکه راهبرد همیشگی شهید سلیمانی در این فعالیت‌های جهادی‌اش عبارت بود از اینکه **جبهه‌ی مقاومت را احیا کند**؛ یعنی چه؟ یعنی **از ظرفیت‌ها و جوانهای آماده‌به‌کار خود آن کشورها استفاده کند** که این کار را به بهترین وجهی انجام داد. هر جا که وارد میشد — عراق یک جور، سوریه یک جور، لبنان یک جور — نیروهای میهنی هر کشور را، **نیروهای خود آن محل را که آماده‌به‌کار بودند، بسیج می کرد**. خب در عراق مثلاً مرجعیت فتوا داد یا حکم کرد که مردم و جوانها باید بیایند در مقابل داعش بایستند؛ خیلی خب، هزاران جوان عازم شدند، **اما هزاران جوان بدون سازمان‌دهی، بدون سلاح، بدون آموزش، چه کار میتوانند بکنند؟ چه کسی اینها را سازمان‌دهی کرد؟ چه کسی به اینها سلاح داد؟ چه کسی آنها را آموزشهای کوتاه‌مدت داد؟ شهید سلیمانی با همکاری دوستان عراقی، [از جمله] شهید ابومهدی.**

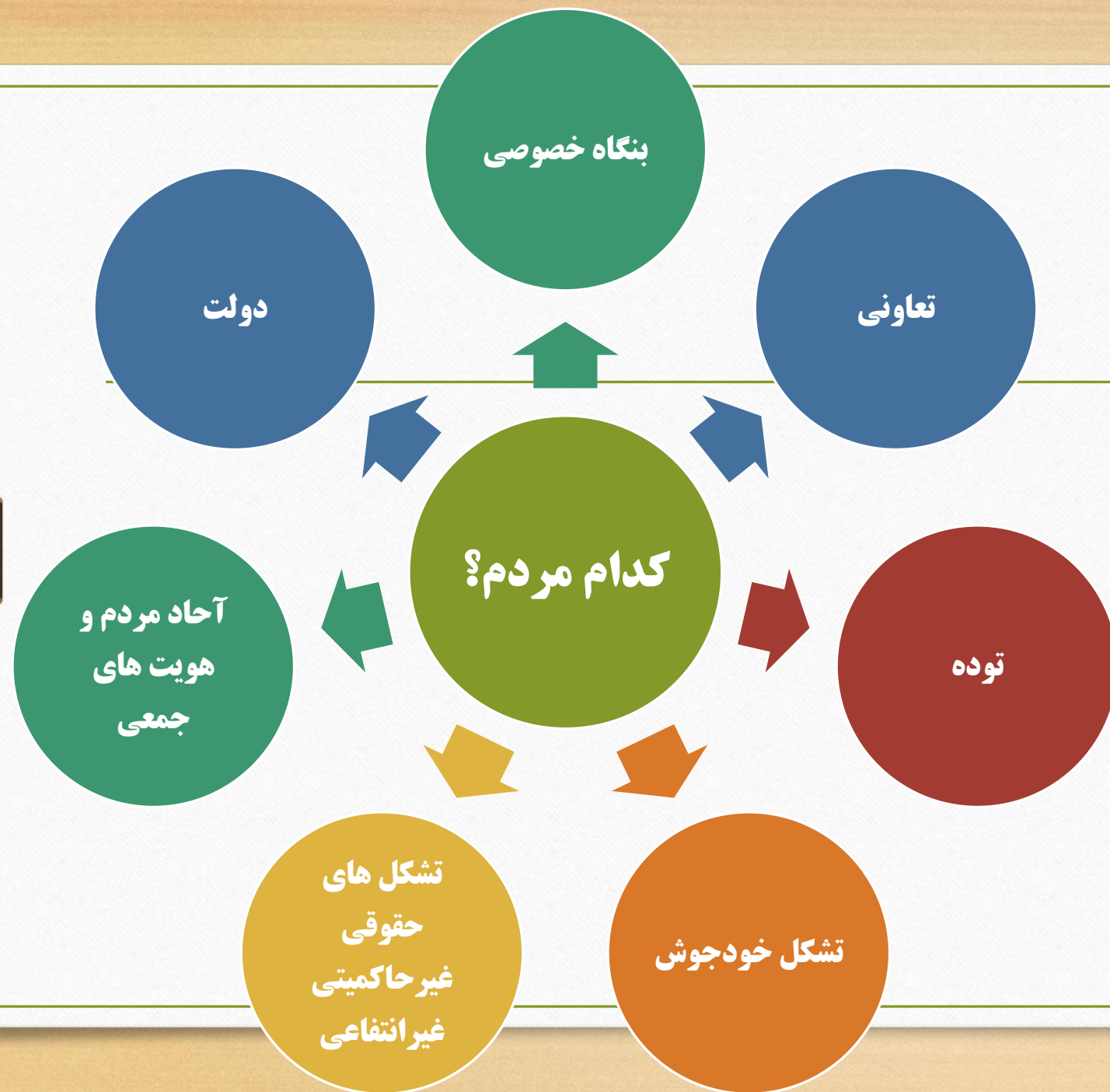
سوالاتی ابتدایی؟

- مردمی سازی یعنی توسعه گروه های خودجوش؟
- یعنی نفی شرکت های خصوصی؟
- یعنی نفی ثروتمند و سرمایه دار؟
- یعنی فقط شرکت های تعاونی؟
- مشارکت مردم فقط در اقتصاد است؟
- آیا فقط، شرکت های انتفاعی هستند که ممکن است سیاست را به اسارت خویش در آورند؟
- مردمی سازی یعنی نفی دولت؟

نگاه ابزاری یا اصیل به مردم

- **نگاه ابزاری:** بی فایده بودن یا مغل بودن ورود اراده مردم (دوگانه بوروکراسی—دموکراسی)
 - مردم به مثابه جیب
 - مردم به مثابه سیاهی لشکر برای مواقع خاص
 - مردم به مثابه انتخاب گر از راه دور بازیگران اصلی
- **نگاه اصیل:** جامعه سازی صرفا با ورود اراده مردم به اداره جامعه.
 - **مشارکت لیبرال:** صرفا اراده مردم ذیل اصل ارزش برابر
 - **مردم سالاری دینی:** انطباق اراده مردم با اراده الهی

کدام مردم؟



ردیف	نوع تلقی از مردم	ضعف
۱	بنگاه	انحصار، پول محور، بخش بندی مخاطب
۲	توده	بی انضباط
۳	تشکل خودجوش	خرد و محدود
۴	تشکل های حقوقی – غیر انتفاعی اما غیر حاکمیتی	خرد و محدود، طبقاتی تر
۵	آحاد و هویت های جمعی	شکست در صورت ضعف پیوند اجتماعی و نیز کمبود سرمایه اجتماعی برای حاکمیت

تلقی های شایع از حکمرانی

دولت: سلسله مراتب و خدمت

بازار: انتخاب، رقابت و سود.

شبکه: تکثر منافع جامعه مدنی

مردمی سازی: تعلق و هنجارها
بین هویت های اجتماعی

چرایی ورود دولت و بازار به حکمرانی

- دو منبع قدرت مهم و حذف نشدنی نهاد دولت:
- مشروعیت از جانب مردم برای اعمال اراده در عرصه عمومی،
- زمین و جغرافیا (که حتی گسترش زندگی در فضای مجازی هم نمی‌تواند اصل این منبع قدرت را حذف کند).
- دولت سیاستگذار و تنظیم‌گر + دولت تصدی‌گر
- دولت به عنوان خادم ملت، حافظ منافع عمومی است و نه در پی تامین منافع شخصی خود. علاوه بر این در مورد تامین حقوق عمومی، توزیع عادلانه منافع اجتماعی (به دلیل وجود آثار خارجی) و انسجام بخشی به جامعه، هیچ نهادی احساس مسوولیت نکرده و همچون بازار اگر وارد شود، دچار شکست می‌شود. برخی هم به استناد اینکه ارائه خدمت عمومی استاندارد توسط دولت، صرفه به مقیاس بیشتری از تکرار ارائه خدمت توسط سایرین دارد، دولت را کارا تر و کم‌هزینه‌تر می‌دانند.

بازارگرایان در مخالفت با دولت و محدودسازی آن

- ، بازار را کاراتر، کم‌هزینه‌تر، پاسخگوتر، باکیفیت‌تر، توام با رضایت بیشتر مشتری و رعایت کننده آزادی انتخاب از مسیر رقابت تصویرپردازی کردند.
- بخش خصوصی چرا باید در عرصه حکمرانی و اداره عمومی جامعه ورود کند؟ سودآوری، پاسخ به کاهش کیفیت خدمات بخش دولتی، پاسخ به تقاضای متنوعی که بخش دولتی به صورت یکسان ارائه می‌کرد و پاسخ به تقاضای اضافی که بخش دولتی توان ارائه نداشت.
- مخالفان بازارگرایی و حاکمیت بازار بر عرصه عمومی نیز به دلیل ذات بازار در بخش‌بندی مخاطب به مشتری و غیرمشتری (کسی که توان خرید دارد یا ندارد)، معتقدند که این ویژگی ذاتی، عرصه عمومی را تخریب کرده و انواعی از محرومیت‌ها را تولید می‌کند. در عین حال، با سلطه پول بر سایر روابط، سیاست را نیز به چنبره خویش درمی‌آورد تا منافع بیشتری به جیب خویش روانه سازد.

ظهور شبکه

- نه دولت‌گرایان و نه بازارگرایان، در واقعیت نتوانستند سلطه تام پیدا کنند و رقیب خویش را حذف کنند.
- دیدگاه دیگری مطرح شد که تلاش کرد **دایره گسترده‌تری از بازیگران را وارد عرصه حکمرانی** کند. آنان ضمن حفظ دولت و بازار، سایر بازیگران را نیز موثر در حکمرانی دانستند که همه آنها تابع **روابط پایدار در شبکه و منافع متقابل**، برآیندی از نیروها را تولید می‌کنند که در نهایت جهت حرکت جامعه را مشخص می‌کند. پرواضح است که در این مدل حکمرانی نیز به جهت واقعیات میدانی، همه بازیگران قدرت یکسان ندارند یا در جوامع مختلف، شبکه روابط بازیگران یکسان نخواهد بود.

هر ساختار حکمرانی متناسب با نوع بافت جامعه

- طبیعتاً هر مدل حکمرانی بر بستر یک فرهنگ و روابط اجتماعی بنیادی‌تر شکل می‌گیرد و به آن مدل حکمرانی امکان تنفس می‌دهد. به همین دلیل، مدل شبکه می‌تواند به جای اینکه یک تعادل قدرت انسجام یافته و متعالی شکل دهد، به یک جنگل روابط قدرت تبدیل شود. از این روست که باید مدل حکمرانی متناسب با جامعه خویش را یافت، طراحی کرد و مستقر ساخت. در جوامع یا اجتماعاتی که بافت عمومی، نظم‌پذیر باشد، امکان تنفس سلسله مراتب بیشتر است. در جوامع یا اجتماعاتی که بافت عمومی، فردگرا و منفعت‌طلب باشند، ساختار بازار می‌تواند فعال بماند. در جوامع یا اجتماعاتی که بافت عمومی، جمع‌گرو و تعامل را بپذیرد، ساختار شبکه نیز می‌تواند شکل بگیرد. گرچه این بافت‌ها تناظر کاملی با این ساختارها ندارند اما غرض آن است که هر ساختار حکمرانی یا ترکیبی از آن‌ها می‌تواند در بستر فرهنگی خاص خود شکل بگیرد. این بستر فرهنگی هم کلیت جامعه است و هم فرهنگ اجتماعات محدود.

مردم و سلسله مراتب

- سلسله مراتب مبتنی بر اقتدار و سلطه، حاکمیت روال ها و نظارت، روابط استخدامی و رسمیت، شکل می گیرد و اعمال قدرت می کند. طبیعتا میدان دار و بازیگر اصلی در این مدل حکمرانی، دولت است. مردم نهایتا می توانند در لایه هایی، برخی از ارکان دولت را انتخاب کنند و در سایر موارد اگر دولت خواست، در محدوده خواست او، مشارکت کنند. پس در بهترین حالت، دولت از ظرفیت مردم استفاده می کند اما تابع خواست دولت.

مردم و بازار

- ساختار بازار مبتنی بر تبادل و رقابت، عرضه و تقاضا، سیگنال‌دهی قیمت، نفع شخصی، مشتری‌محوری، قرارداد و حقوق مالکیت و بدگمانی متقابل شکل می‌گیرد. مردم در این ساختار در قامت مشتری می‌توانند تعریف شوند و روابط پولی و بازاری و به تبع بنگاه‌های خصوصی میدان‌دار زمین بازی هستند. پس یا مشتری هستند یا بنگاه. از این رو، در جایی که امکان مشتری شدن یا بازارسازی وجود ندارد یا اینکه بازار، مخرب ارزش‌ها شود، این ساختار شکست می‌خورد.

شبکه؛ روی زمین

- ساختار شبکه مبتنی بر همکاری و انسجام، ارزش‌های مشترک، وفاداری و اجماع و اعتماد، روابط، احترام متقابل و دغدغه مشترک، قوت‌های مکمل یکدیگر و منافع دوجانبه شکل می‌گیرد. این ساختار حکمرانی در عین حفظ دولت و بازار، اما کلیت خود را بر تکرر بازیگری قرار داده است. در اینکه چه کشوری توانسته ساختار شبکه را در نظام حکمرانی خویش محقق کند، همچنان ابهام وجود دارد. ایده‌هایی چون حکمرانی فراگیر یا توسعه جامعه مدنی یا ظهور زندگی جدید از مسیر فضای مجازی نیز هنوز نتوانسته‌اند جایی برای ساختار شبکه در دعوای سلسله مراتب-بازار باز کنند. شاید ماحصل تلاش مدل شبکه را بتوان نوعی از اصلاح و تعدیل در قدرت سلسله مراتب و بازار دانست.

نقد شبکه

- عدم توازن قدرت اعضای شبکه، بی‌جهتی شبکه و به تبع، مصادره آن به نفع برخی بازیگران پر قدرت را به دنبال خواهد داشت.
- بار مثبت واژه «شبکه»، این غفلت را ایجاد می‌کند که شبکه با ادعای مشارکت حقیقی و گسترده عناصر اجتماع مطرح شده است اما بیشتر به استفاده ابزاری بازیگران قدرتمند از بازیگران ضعیف در یک بازی مشارکتی منجر می‌شود. یا اینکه شبکه دایرمدار منافع بلندمدت شکل گیرد اما لزوماً این روابط، سالم نیستند.
- در عین حال، پذیرش ساختار شبکه مستلزم پذیرش نوعی نگاه نهادگرا است تا اینکه بخواهد کنش‌گران را فاعل و فعال نشان دهد. دیدگاه کنش‌گر محور، می‌پذیرد هر کنش‌گر در لحظه، تصمیم متفاوت و منفعت‌گرایی بگیرد که با تصمیم بعدی متفاوت است اما دیدگاه نهادگرا این کنش‌های لحظه‌ای را کنار گذاشته و انسان را در طول زمان تحلیل می‌کند. به نظر می‌رسد که نگاه واقع‌بینانه ترکیبی از هر دو است. فلذا مدل حکمرانی شبکه، توان تحلیل کاملی از واقعیت میدانی را ندارد.
- بی‌توجهی به اتصال عمودی پیوندهای اجتماعی با نهاد قدرت (ولاء عمودی و نقش هدایت‌گری نهاد قدرت در حکومت اسلامی) در کنار اتصال افقی جامعه (ولاء افقی یا همان پیوندهای اجتماعی). بی‌جهت بودن ساختار شبکه دقیقاً در نقطه مقابل ولاء عمودی در ساختار حکمرانی مردمی است.

فرا حکمرانی

- برخی نیز با طرح واژه «فرا حکمرانی»، قائل به این هستند که می‌توان هر ساختار حکمرانی را در عرصه‌ای مناسب دید و نیازی نیست با یک مدل به اداره جامعه پرداخت. قاعدتا نمی‌توان جامعه را گسسته اداره کرد. پس لازم است یک مدل حکمرانی مسلط بر این مدل‌ها وجود داشته باشد که تناظر بین هر عرصه و هر مدل حکمرانی را مشخص کند. تلقی ابتدایی از فرا حکمرانی از دیدگاه ما مردود است اما فرا حکمرانی به عنوان یک مدل حاکم و شامل بر سایر مدل‌ها، برای ما همان حکمرانی مردمی است.

- Meta governance

ارکان نظریه اسلامی عدالت اجتماعی

قوام و توازن اجتماعی

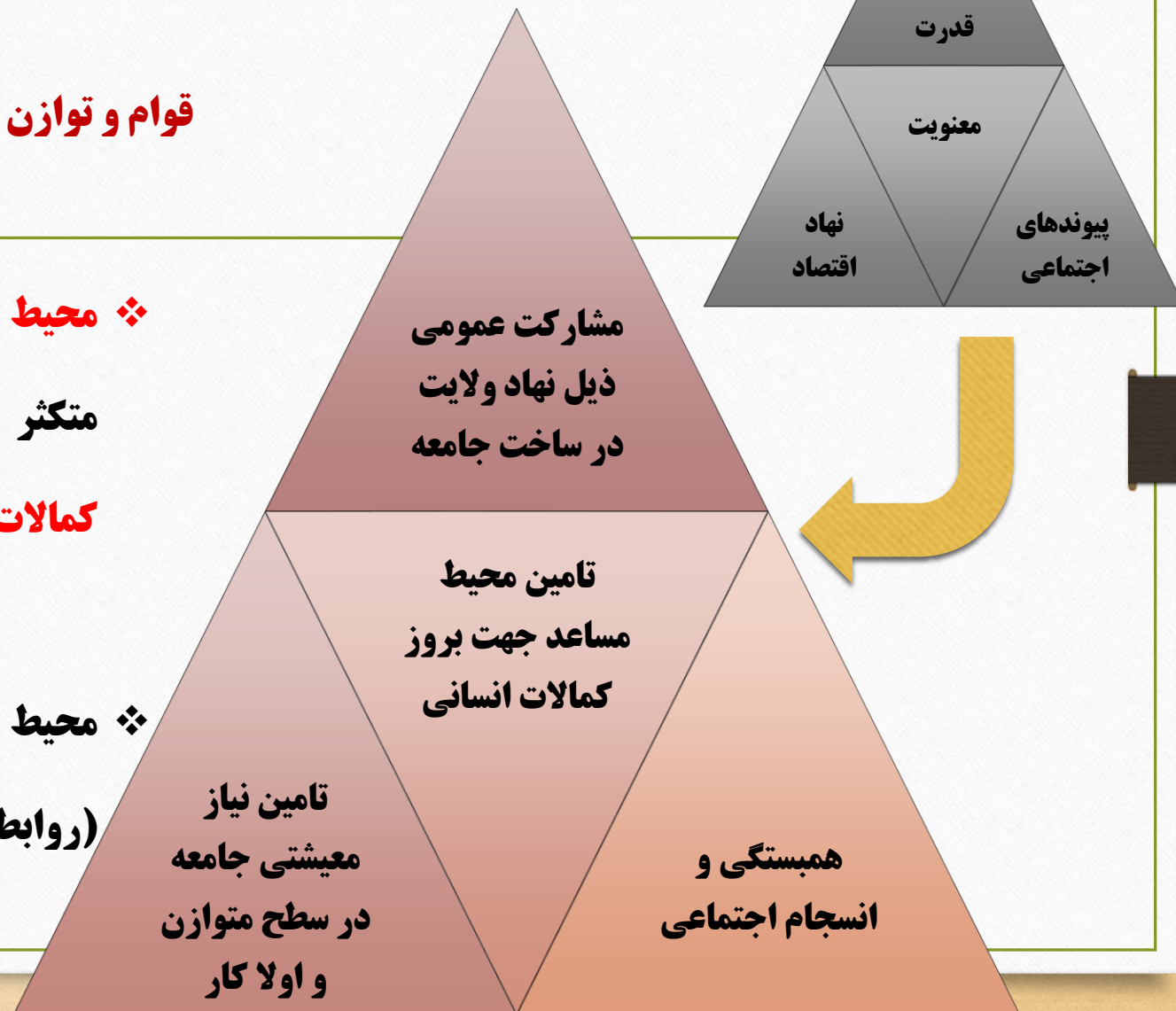
❖ **محیط اجتماعی** (روابط و مبادلات افراد و هویت های جمعی

متکثر و با داشته های متفاوت) بستری برای ظهور و رشد

کمالات معنوی (در کنار عبادات)

❖ **محیط اجتماعی** حاصل ضرب حضور فرد در **نهاد اجتماع**

(روابط)، **اقتصاد** (مبادلات)، **سیاست** (اعمال اراده و هدایت)



مردمی سازی: بسیج عمومی ذیل هدایت حاکمیت

جامعه: ظرف رشد و تعالی انسان از مسیری توأم با اختیار

نقی انزوای اختیاری: این انسان با درک کامل معنای زندگی که خود می‌سازد، می‌تواند رشد کند.

مشارکت در عرصه‌های مختلف اداره جامعه، اصیل است (نه ابزاری) و گستردگی آن، به امکان و ظرفیتش بستگی دارد.

هرگاه انسان از اداره زندگی خویش در همه ابعاد و سطوح، فاصله بگیرد به همان میزان از درک معنای زندگی و فرصت رشد نیز بی‌بهره شده است.

هر انسانی که از درک کامل زندگی محروم شود یا داشته‌ها و هویت‌هایش را درگیر نسازد، دیگران را نیز از آن داشته‌ها محروم ساخته یا زمینه سلطه

انحصاری و ظالمانه برخی بر برخی را فراهم می‌کند.

پس حضور حداکثری موثر همه مردم در ساخت جامعه نیز لازمه کمال تلقی می‌شود.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی - ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

- مهم‌ترین کار اصولی‌ای که انقلاب کرده است، **تبدیل نظام طاغوت‌سالار به نظام مردم‌سالار** است؛ این مهم‌ترین کاری است که انقلاب کرده است؛ آن هم با الهام از تعالیم اسلامی... **مردم‌سالاری یعنی مردم را در همه‌ی امور زندگی، صاحب رأی و صاحب تدبیر و صاحب تصمیم قرار دادن**. مردم‌سالاری فقط در اداره سیاسی کشور نیست، در خدمات شهر و روستا است؛ در زنده کردن روحیه‌ی کارهای بزرگ در کشور است. **در پرورش و بروز استعدادهای مردمی، [یعنی] ظرفیتهای انسانی کشور است**.

مولفه	خصوصی سازی	مردمی سازی
واحد مشارکت کننده	بنگاه	افراد و هویت های جمعی
مدخل ورود اولیه	اقتصاد	سیاست و اجتماع
هدف دولت	واگذاری و نظارت	درونی سازی مبادلات، اجتماعی سازی و توسعه پیوندهای اجتماعی
عنصر سازمان ده	سود	هنجار، تعلق اجتماعی و مسوولیت اجتماعی
تاثیر مالی	رشد هزینه ها به دلیل افزایش هزینه بر کاهش هزینه ها با استفاده از ظرفیت های مردمی مقیاس/کاهش هزینه به جهت کارایی	
موضع نسبت به عدالت	عدم تعادل به دلیل کلونی سازی و شکوفایی استعداد خاص گرایی تکثیر	توازن در تکرر تبادلات بین هویت های متکثر

شروع نرم افزاری مردمی سازی

- شروع مردمی سازی حتما از لایه اموال نیست. مشارکت و حضور مردم را نباید از پول و ثروت شروع کرد بلکه باید از روابط اجتماعی و قدرت آغاز نمود زیرا پایه‌ای‌ترین لایه تغییر، پیوندهای اجتماعی است و هر نوع تغییر باید بر بستر پیوندهای اجتماعی رقم بخورد.
- تقویت پیوندهای اجتماعی و ایجاد فضای مشارکت در ساختار قدرت و تصمیم‌گیری و اداره امور؛ نتیجه: رشد تعلق اجتماعی و زمینه سازی مردمی سازی اقتصادی.
- در فضای مشارکت اجتماعی و سیاسی است که می‌توان مردمی سازی اقتصادی را معنادار کرد و الا به رشد خصوصی سازی و بازارگرایی منجر خواهد شد. از این فرهنگ فردگرایی و منفعت‌محوری، بازار اسلامی بر نمی‌خیزد و بازارگرایی سودمحور تولید می‌شود.
- مردم اول باید خود را موثر در تصمیم‌گیری ببینند و امور را جزئی از زندگی طبیعی خود بدانند که بخواهند در عرصه اموال هم وارد مشارکت شوند. در غیر این صورت مردم، به بخشی از مردم تقلیل می‌یابد که زمینه سلطه و تبعیض و فاصله است.

-
- شروع مردمی سازی از اجتماع و سیاست است و مبتنی بر آن می توان اقتصاد را مردمی کرد
 - شکل سازی، ساخت و تقویت هویت های جمعی، نقطه شروع بازی را متوازن تر می کند: اول تنوع عناصر اکوسیستم را به بلوغ و کفایت می رساند و سپس آن ها را در امر ارزشمندی که تعلق خاطر دارند، بسیج می کند.
 - دولت قوی می تواند مردمی سازی کند.

-
- شکست بازار و خدشه بر ارزش‌های عمومی در مردمی کردن نهاد اجتماع و سیاست
 - پس اصل روابط اجتماعی و نهاد قدرت را نباید به بازار سپرد؛ بلکه بخشی از نهاد قوام مال را می‌توان با ساختار بازاری اداره کرد. اتکای صرف به بنگاه که هدف آن انفرادا سودآوری است، یک فضای سوداگرانه و سرمایه‌دارانه بی‌رحم ایجاد می‌کند؛ در حالی که بنگاه در کنار سایر هویت‌های جمعی می‌تواند پیش‌ران یک اقتصاد سالم باشد. طبیعتاً بازاری که در بستر فرهنگ انصاف تنفس می‌کند با بازار سودمحور شخصی، متفاوت است و حتی در سازوکارهای نظارت و ... نیز متفاوت عمل می‌کند.

نهاد دولت و قدرت کجای مردمی سازی است؟

- استقرار ساختار حکمرانی اجتماعی یا مردمی: با هدایت دولت اما حول نظام هنجاری در بافت های اجتماعی.
- اقتضای این کار: سرایت اختیارات و توانمندسازی در لایه مدیران عملیاتی محلی است.
- از سوی دیگر چون در ساختار حکمرانی اجتماعی، ارزش ها و هنجارهای عمومی پیشران و سازمان ده هستند، جریان مردمی سازی نیاز به دال های مرکزی گفتمانی دارد تا آن را راهبری کند. به طور مثال اقتصاد دانش بنیان و اقتصاد مقاومتی تاکنون نتوانسته اند دال مرکزی قوی ای برای مردمی سازی اقتصاد ارائه کنند لذا در مردمی سازی ناموفق بوده اند. زیرا بافت اجتماعی را بسیج نمی کنند. در شرایط فعلی، اساسا مردم خود را مخاطب تحول اقتصادی نمی بینند که بخواهند با آن ارتباط بگیرند. پس باید اندیشید که چگونه می توان ادراک عمومی را به سوی احساس مسوولیت ناظر به تحول اقتصادی متوجه و بلکه بسیج کرد! شاید علت را باید در این جستجو کرد که هنوز نهاد قدرت و دولتی که بتواند مردم را فراخواند وجود ندارد.

-
- اصل بر مسئولیت حداکثری حاکمیت نسبت به زندگی دنیوی و اخروی مردم و در عین حال، اصل بر عدم ورود مستقیم و اجرایی به زندگی مردم است مگر اینکه امری، معطل بماند یا نتوان مستقیماً به مردم سپرد.
 - نفی دوگانه‌های دولت حداکثری و حداقلی یا دولت تنظیم‌گر و تصدی‌گر.
 - دولت، متولی است و اگر امری بر زمین ماند، تصدی‌گری هم بر عهده او خواهد آمد. به تعبیری دولت، «وارث من لا وارث له» و «ولی من لا ولی له» است.
 - ولایت اصلی آن است که امور در قالب «روابط بین مردم» درونی‌سازی شود؛ یعنی تبدیل امور به جزئی از زندگی مردم و طبیعی‌سازی آن. در این صورت، حاکمیت نسبت به نتیجه نهایی مسئول است و اگر به هر صورتی نتیجه محقق نشد، باید مداخله کند.

دولت قوی برای درونی سازی

- اولویت حاکمیت آن است که درونی سازی امور در روابط اجتماعی رخ دهد؛ نه اینکه امور را تماما خودش انجام دهد چون شئون زندگی را از مردم می گیرد و معنای زندگی، ناقص می شود. پس دولت حتی اگر بخواهد مداخله کند، بهتر است تا حد امکان مردم را واسطه قرار دهد (ورودی که پیوندها را تقویت کند نه اینکه درگیری و اصطکاک بین مردم را بالا برد). حاکمیت زمانی ورود می کند که مردم نمی خواهند یا نمی دانند یا نمی توانند ورود کنند. پس اول باید فهم، خواست و توانمندی ایجاد شود. برای این کار هم تربیت افراد و ساختارهای متناسب را در کنار هم باید دنبال کرد (تربیت افراد و اجتماعات در کنار ساختارهای تربیتی). حاکمیت اعمال هر ساختاری را مبتنی بر ظرفیت پذیرش پیش می برد و پس از هر اعمالی، باید به حکمت آن رهنمون شود تا اعتماد به نهاد اعمال اراده و اقتدار را حفظ و تقویت کند. برای این کار قطعاً نیازمند دولتی قوی و هوشمند هستیم تا بتواند درونی سازی امور را پی بگیرد و هر جایی ناموفق بود، مداخله و تولی گری مستقیم داشته باشد. پس دولت ضعیف، نمی تواند مردمی سازی را محقق سازد. از این رو دوگانه دولت حداکثری-حداقلی به دوگانه درست دولت قوی-ضعیف تبدیل می شود.

گستره مردمی سازی

- این گستره شامل تامین، نظارت، سیاستگذاری، اطلاع رسانی و، در قالب های قرارداد، همکاری، هماهنگی و، با سطح، عمق و نوع مختلفی قابل طراحی است. قاعدتا این کار از یک مسیر دستوری صرف نمی گذرد بلکه یک دولت هوشمند که در لایه عملیاتی به مدیران خود اختیار و توانمندی داده است، به صورت تدریجی می تواند اقدام به مردمی سازی کند.

حکمرانی مردمی در آموزش و پرورش

تجربه یک کار تشکیلاتی تازه: جریان جهادی ها

کدام مردم؟

-
- پیام نهضت سوادآموزی ۷ دی ۱۳۵۷
 - حکم به شورای انقلاب برای تشکیل اداره امر به معروف و نهی از منکر ۱۳۵۸
 - پیام به ملت ایران (حساب ۱۰۰) ۲۱ فروردین ۱۳۵۸
 - ۱۶ آذر ۱۳۵۸
 - پیام اسفند ۱۳۵۸ (بیمارستان قلب): استقبال جوانان از بسیج عمومی
 - ۲۶ خرداد ۱۳۵۸: پیام تشکیل جهاد سازندگی

• پیام نهضت سوادآموزی ۷ دی ۱۳۵۸

• از جمله حوایج اولیه برای هر ملت که در ردیف بهداشت و مسکن بلکه بهتر از آن ها است آموزش همگان است... برای مبارزه با بی سوادی به طور ضربتی و بسیج عمومی قیام کنیم (بدون از دست دادن وقت و بدون تشریفات) ... لازم است تمام بی سوادان برای یادگیری و تمام خواهران و برادران باسواد برای یاد دادن برخیزند و وزارت آموزش و پرورش با تمام امکانات بپاخیزد و از قرطاس بازی و تشریفات اداری پرهیزد ... در مساجد و تکایا، باسوادان، نوشتن و خواندن ... یاد بدهند و منتظر اقدامات دولت نباشند و در منازل شخصی، اعضای بی سواد را تعلیم کنند. ایران را به صورت مدرسه ای در آورند و در هر شب و روز و در اوقات بیکاری یکی دو ساعت را صرف این عمل شریف نمایند.

-
- حکم به شورای انقلاب برای تشکیل اداره امر به معروف و نهی از منکر ۱۳۵۸
 - در مرکز و شعبه های آن در تمام کشور
 - مستقل و در کنار دولت
 - ناظر به اعمال دولت و ادارات دولتی و تمام اقشار دولت
 - حتی اگر خدای نخواستہ رهبر انقلاب یا رئیس دولت مرتکب چیزی شد که موجب حد شرعی است باید در مورد او اجرا شود.

• پیام به ملت ایران (حساب ۱۰۰) ۲۱ فروردین ۱۳۵۸

- همه محرومان باید خانه داشته باشند ... حساب ۱۰۰ بانک ملی ... دعوت برای کمک به خانه سازی محرومان
- پولی بابت خرید زمین پرداخت نشود... مشارکت زمین داران در مناطق مرغوب قابل سکونت، مشارکت در تامین مصالح، مشارکت در نیروی کار، دولت در تامین آب و برق و ...، بنیاد مستضعان از اموال مصادره شده، دولت در طرح های اساسی و دراز مدت.
- اکنون این یک تجربه تازه از بسیج نیروی ایمان جامعه در راه تعاون اسلامی و مبارزه با محرومیت است.

• ۱۶ آذر ۱۳۵۸

• اگر ما این کلمه جمهوری اسلامی را برداشته بودیم و می گفتیم جمهوری، نمی توانستیم مردم را به میدان بیاوریم ... آن که می تواند مردم را بسیج کند آن اعتقاد به این است که غیر از عالم، یک جای دیگر هست بهتر از اینجا.... ایمان.... تحول نفسانی مردم به یک حالت اسلامی.

• ۲۶ خرداد ۱۳۵۸: پیام تشکیل جهاد سازندگی

• ما در مشکلات باید متوسل بشویم به ملت ... همه قشرهای ملت ... داوطلب ... تشریک مساعی دولت ... تحت نظر اشخاص کارشناس مامورین دولت، کارها را انجام دهند ... تشریک مساعی و نظارت روحانیون

کدام مردم؟

- کلمه‌ی جمهوری در «جمهوری اسلامی» حاکی از این است که در ذات این نظام، حضور مردم لحاظ شده؛ بنابراین دوام جمهوری اسلامی و قوام جمهوری اسلامی و عزّت جمهوری اسلامی و آبروی جمهوری اسلامی در دنیا متوقّف به حضور مردم است ۱۴۰۳/۰۴/۰۸
- مشارکت مردم در ذات جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی — «جمهوری» یعنی مردم دیگر — [یعنی] عموم مردم با شیوه‌ی اسلامی، با روش اسلامی وارد میدان بشوند... «وارد میدان شدن مردم» معنایش این است که جمهوری اسلامی به معنای واقعی کلمه جمهوری است

۱۴۰۳/۰۴/۰۵

بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران

- انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم سالاری تبدیل کرد و **عنصر اراده‌ی ملی** را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در **کانون مدیریت کشور وارد کرد**؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد؛ **روحیه و باور «ما میتوانیم» را به همگان منتقل کرد**؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد...
- **مشارکت مردمی** را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیتهای نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند. ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

- مسئله‌ی مشارکت مردم در تولید [مهم] است که خب ما گفتیم «جهش تولید با مشارکت مردم». «مشارکت مردم» چه جوری [حاصل] میشود؟ این سؤال است دیگر. حالا یک نفری فرض کنید که مایل است در جهش تولید شرکت کند؛ چه جوری شرکت کند؟ چه کسی باید به او یاد بدهد؟ حرف من این است. یکی از وظایف مهمّ مسئولین این است که بنشینند زمینه‌های حضور مردم و مشارکت مردم در تولید را، در کار تولیدی را تبیین کنند و زمینه‌ها را آماده کنند. حالا مثلاً یکی‌اش تعاون است — ایجاد شرکتهای تعاونی تولید — یکی‌اش کمک به کارهای خانگی است؛ یکی کمک به کارهای دستی است؛ یکی کمک به ایجاد شرکتهای دانش‌بنیان است. البته دولت میتواند از صاحب‌نظران اقتصادی که در دولت بحمدالله هستند و در خارج دولت هم هستند، استفاده کند؛ اینها میتوانند راه‌های فراوان دیگری را ارائه بدهند که [موجب] مشارکت مردم باشد؛ مشارکت در زمینه‌ی مسائل صنعتی، مسائل خانگی، صنایع دستی، مسئله‌ی کشاورزی، مسئله‌ی دامداری؛ در همه‌ی اینها مردم میتوانند مشارکت کنند؛ راهش باید به مردم نشان داده بشود، زمینه‌ی مشارکت مردم فراهم بشود، بحث مشارکت مردم آسان‌سازی بشود. ۱۴۰۳/۰۲/۰۵

- یک نکته‌ی مهم در نماز جمعه و خطبه‌ها... تشویق آحاد مردم و مخاطبین شما به حضور در میدانهای مختلف است. فرض کنید حضور در میدانهای اجتماعی و خدمات اجتماعی؛ مثلاً بنا میشود در یک شهری مدرسه‌سازی کنند، مردم به شرکت تشویق بشوند، هر کسی هر مقداری که میتواند، هر جوری که میتواند. مثلاً فرض کنید در یک شهری، خیرین در صدد برمی‌آیند که بیمارستان‌سازی کنند — از این کارهای خیر همیشه بوده، الان هم هست و میکنند — یا بنا میگذارند دیه‌ی زندانی‌هایی را که به خاطر دیه در زندانند، اداء کنند و آنها را از زندان آزاد کنند؛ از این کارهای خیر. مردم تشویق بشوند به اینکه در این مسائل شرکت کنند؛ این یک میدان است؛ یک میدان مسائل اجتماعی

است. ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

- باید ساختار سازی بشود؛ [برای] اشتراک مردم به صورت شرکتهای دانش بنیان، باید یک ساختاری تولید بشود، به وجود بیاید و به مردم هم اعلام بشود.
- البته مشارکت مردم که اشاره کردم، فقط در این زمینه ها نیست؛ یعنی این جور نیست که مشارکت مردم صرفاً در محدوده‌ی شرکتهای دانش بنیان باشد. ما باید کاری کنیم که مردم بتوانند، همه‌ی کسانی که نیرو دارند، توان کار دارند، در به اصطلاح محدوده‌ی کار کردن هستند، بتوانند یک کاری انجام بدهند که به زندگی‌شان کمک کند، معیشتشان را بهتر کند، به تعبیر رایج، سفره‌ی آنها را رنگین‌تر بکند، که بند اول سیاستهای اقتصاد مقاومتی هم ناظر به همین است. تمهیداتی را باید انجام بدهید تا طبقات کم‌درآمد به این وسیله در آمدشان بالا برود. آن وقت توانمندسازی طبقات ضعیف به این شکل انجام خواهد گرفت؛ یعنی نقشه‌ی راه کاملی در این زمینه به وجود بیاید، و میتواند به وجود بیاید؛ یعنی سازمان برنامه و امثال این تشکیلات در دولت، میتوانند بنشینند و طراحی کنند و مشخص کنند که آحاد مردم، قشرهای ضعیف مردم، چگونه میتوانند در فعالیتهای اقتصادی همکاری کنند. بهترین راه عدالت بنیان کردن اقتصاد همین است. اینکه ما روی مسئله‌ی عدالت که اساس کار اقتصاد در اسلام عدالت است — «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» — [تأکید میکنیم] عدالت بنیان کردن از این راه به وجود خواهد آمد؛ بتوانیم امکان کار کردن و درآمد کسب کردن را برای همه‌ی مردم فراهم کنیم.

۱۴۰۲/۰۱/۱۵

- حالا «زنده بودن انقلاب» یعنی چه؟ یعنی دل‌بستگی نسل‌های جدید کشور به آرمان‌های انقلاب. امروز مردم دل‌بسته‌ی همان آرمان‌هایی هستند که انقلاب مطرح کرد؛ یعنی استقلال ملی، عزّت ملی، رفاه ملی، عدالت اجتماعی، تحقّق جامعه‌ی اسلامی و در نهایت، همان طور که عرض کردیم، ایجاد تمدّن نوین اسلامی؛ اینها هدف‌های بزرگ انقلاب است. مردم ما امروز به این هدف‌ها دل‌بسته‌اند، علاقه‌مندند؛ کاری از دست‌شان بریاید – هر کسی بتواند کاری انجام بدهد – واقعاً انجام میدهند؛ یعنی یک اکثریت عظیمی از کشور این [دل‌بستگی] را دارند. حالا افرادی هم ممکن است گوشه‌کنار وجود داشته باشند که یک مقداری کُند باشند در حرکت یا در حرکت داخل نشوند، لکن ملت ایران عموماً دل‌بسته‌ی به این آرمان‌ها است.

-
- از ظرفیت مردمی هم برای نظارت عمومی استفاده کنند. در گوشه و کنار کشور مواردی هست که فساد هست، ویژه‌خواری هست که ممکن است از چشم مسئولین ذی‌ربط دور مانده باشد، پنهان مانده باشد؛ اینها را مردم مشاهده میکنند، می‌بینند؛ از ظرفیت مردم در این زمینه هم استفاده بشود. بنابراین مردمی بودن یکی از کارهای بسیار اساسی است و باید دولتمردان این را به همین شکلی که اجمالاً عرض شد دنبال بکنند. ۱۴۰۰/۱۰/۱۹

- توصیه‌ی اینجانب مردمی کردن بزرگداشت‌ها، و فعال کردن مساجد و نهادهای مردمی، و به‌کارگیری ابتکارات و خلاقیت‌های جوانان انقلابی، و طراوت و تازگی بخشیدن به مراسم دینی و انقلابی است. توصیه‌ی دیگر چابک و سبک کردن تشکیلات و زدودن زائده‌ها و فرسودگی‌های آن است. ۱۴۰۰/۰۹/۰۸

- قوی‌ترین دولتها هم قادر نیست بدون مشارکت مردم موتور اقتصاد جامعه را به راه بیندازد؛ هیچ دولتی بدون مشارکت مردم نمیتواند اقتصاد کشور را سامان بدهد. بعضی از ساز و کارهای فکری، سیاسی، اقتصادی، مثل نوعی از سوسیالیسم‌ها – البته نه همه‌ی انواع سوسیالیسم – این فکرها را کردند که بتوانند دولتها را متصدی کار اقتصاد کنند [اما] شکست خوردند. امکان ندارد و بدون مشارکت مردم هیچ دولتی نخواهد توانست اقتصاد کشور را سامان بدهد و موتور اقتصاد را [راه بیندازد]. بنابراین یکی از مسائل مهمّ ما باید این باشد که استعدادهای مردم، ابتکارهای مردم، ظرفیتهای گوناگون مردم را وارد میدان اقتصاد کشور بکنیم. ۱۳۹۹/۰۲/۱۷

• انصافاً مشارکتهای مردمی هم، مشارکتهای بسیار زیبا و صحنه‌های جالب و شگفت‌انگیزی را به وجود آورده که در همه جا هست؛ من چند مورد را بخصوص اسم می‌آورم. این به معنای این نیست که این چند مورد اختصاص دارند؛ نه، حالا اینها به بنده گزارش شده، اینها را من عرض میکنم: مثلاً در سبزوار، طرح «هر محله یک قربانی» شروع شده؛ اهل محل جمع میشوند یک گوسفند قربانی میکنند، به نیازمندان همان محل گوشت میدهند؛ این خیلی چیز لازم و مهم و کار جالبی است که اینها انجام میدهند برای اطعام نیازمندان. یا در یزد، مادر شهیدی با همکاری جمعی از بانوان که همراه کرده با خود عده‌ای از بانوان را، خانه‌های خودشان را تبدیل کرده‌اند به خیاط‌خانه که در این خیاط‌خانه‌ها ماسک تولید میکنند و مجانی در اختیار مردم میگذارند. یا در نهاوند، گروهی از بانوان که در زمان دفاع مقدس نان میپختند و برای جبهه میفرستادند، فعال شده‌اند برای مهار بیماری و کمک میکنند. در خوزستان، طلبا قرارگاه تشکیل داده‌اند و حتی داخل خانه‌های مردم را هم ضدعفونی میکنند. در شیراز، معتمدین محلی با صاحبان املاک –صاحبان خانه‌ها و مغازه‌ها– صحبت میکنند که اجاره نگیرند یا تخفیف بدهند یا مهلت بدهند و کمک بشود به کاسب. در تبریز، رئیس حوزه علمیه خودش وارد شده و به شکل میدانی مشغول فعالیت است. در یکی از شهرها، نامزد حزب الهی‌ای که در انتخابات رأی نیاورده، ستاد خودش را تعطیل نکرده و نکه داشته و فعالان را در خدمت حرکت جهادی و مبارزه‌ای با کرونا سازمان‌دهی کرده. اینها البته گزارشهای محدودی است که بنده حالا علی‌العجاله در اختیار داشتم؛ ولیکن صدها مورد شبیه این، بلکه هزارها مورد شبیه این در سرتاسر کشور به شکلهای گوناگون وجود دارد که من به بعضی از اینها هم در صحبت قبلی (۱۲) اشاره کرده‌ام. ۱۳۹۹/۰۱/۲۱

-
- هر کسی که امنیت کشور را دوست دارد، هر کسی که حل شدن مشکلات کشور را دوست دارد، هر کسی که گردش نخبگانی صحیح را در کشور دوست دارد باید در انتخابات شرکت کند؛ همه باید شرکت کنند. البته بنده مطمئنم که افراد مؤمن و انقلابی و علاقه‌مند به سرنوشت انقلاب، با انگیزه‌ی بیشتری شرکت میکنند اما آن کسانی هم که انگیزه‌ی انقلابی ندارند، انگیزه‌ی دینی ندارند، خب کشورشان را که دوست دارند؛ اینها هم باید در انتخابات شرکت کنند. ۱۳۹۸/۱۱/۱۶

- حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار آقای حیدر العبادی نخست وزیر عراق و هیأت همراه با تجلیل از وحدت و انسجام همه جریانهای سیاسی و مذهبی عراق در مبارزه با داعش، «نیروهای مردمی» را پدیده‌ای مهم و مبارک و عامل اقتدار در عراق خواندند و با تأکید بر لزوم حفظ یکپارچگی سرزمین عراق، گفتند: باید در مقابل آمریکایی‌ها هوشیار بود و به هیچ وجه به آنها اعتماد نکرد زیرا آمریکا و اذنانب او، مخالف «استقلال، هویت و وحدت عراق» هستند.
- ایشان با اشاره به حضور نیروهای داعش تا نزدیکی بغداد در یک مقطع از زمان، خاطرنشان کردند: اکنون داعش در حال فرار و خروج از عراق است و این موفقیت تحسین برانگیز، نتیجه وحدت و انسجام درونی در عراق و همچنین سیاست درست دولت عراق در اعتماد به نیروهای جوان و مؤمن عراق و حضور آنها در وسط میدان است. ۱۳۹۶/۰۳/۳۰

• - مسئله‌ی «نقش مردم در حکومت» یکی از این کلیدواژه‌ها است؛ این کلیدواژه است. بعضی‌ها از بچه‌های خوب و انقلابی تعجب میکنند که فلانی مدام میگوید در انتخابات شرکت کنید، شرکت کنید؛ از من گله‌مند میشوند که چرا شما مدام گفتید بیایید در انتخابات شرکت کنید. آقا جان! توجه داشته باشید که مصیبت، آن‌روزی است که مردم پشت کنند به صندوق رأی؛ این مصیبت است؛ و دشمن این را میخواهد. الان شماها باید زودتر از من بشنوید، بنده هم شفته‌ام صداهایی را که بلند میشود، آرزو میکنند و انتظار میکشند روزی را که نود درصد مردم پای صندوقها شرکت نکنند. حالا مثلاً فرض کنید که گفتند بیست و چند درصد پای صندوقها شرکت نکردند، نیامدند؛ میگویند این کافی نیست، باید کاری کنیم که نود درصد مردم پای صندوقهای رأی نیایند؛ مصیبت آن است. بنده آن را میبینم. حضور مردم پای صندوق رأی، یک نعمت بزرگی است. «مردم‌سالاری»، این جزو کلیدواژه‌های اصلی است؛ این را فراموش نکنید. خب، شما میخواهید که مردم پای فلان صندوق بیایند، پای آن صندوق نیایند، خب تلاش کنید تا آن کاری که شما می‌خواهید تحقق پیدا کند. جلوی حضور مردم پای صندوق رأی نایستید.

۱۳۹۶/۰۳/۱۷

- از جمله‌ی مبانی مطرح‌شده‌ی به‌وسیله‌ی امام و شعارهای امام بزرگوار، مسئله‌ی مردم‌سالاری بود؛ یعنی اختیار حاکمیت کشور در دست مردم باشد؛ مردم انتخاب کنند، مردم بخواهند، مردم اراده کنند؛ در همه‌ی عرصه‌های زندگی. یکی از شعارهای امام مسئله‌ی خودباوری ملت بود؛ یعنی اینکه به مردم میگفت و تکرار میکرد که شما میتوانید، شما قادرید؛ در علم، در صنعت، در کارهای اساسی، در اداره‌ی کشور، در مدیریت بخشهای مهم کشور، در اقتصاد و غیره، شما قادر هستید خودتان روی پای خودتان بایستید. اینها جذابیتهای شخصیت امام بود که توانست جوانها را جذب کند. و جوانها آمدند به نهضت امام بزرگوار پیوستند، انقلاب به پیروزی رسید. ۱۳۹۶/۰۳/۱۴

-
- اگر این [انتخابات] در نظام جمهوری اسلامی وجود نمیداشت، امروز از نظامی که با آن انقلاب به وجود آمد، خبری باقی نبود، این خیلی مهم است؛ از دل اسلام این معنا درمی آید و استفاده میشود؛ این جور نیست که ما جمهوری را گرفته باشیم و منضمّ به اسلام کرده باشیم؛ نه، خود اسلام به ما این جور یاد میدهد؛ حالا این یک مقوله‌ای است – لکن علاوه‌ی بر این، آنچه برای اداره‌ی کشور و حفظ کشور و منافع ملت به صورت فوری، فوری لازم است، حضور مردم است؛ ۱۳۹۶/۰۲/۱۷

- مردم باید در کار تولید [دخالت داده بشوند]. ما سیاستهای اصل ۴۴ را که چند سال پیش ابلاغ کردیم، همه‌ی کسانی که در مسائل اقتصادی صاحب‌نظر بودند گفتند این یک انقلاب در کار سیاسی است؛ خب همین را دنبال کنند؛ مردم را دخالت بدهند. جمهوری اسلامی در کار جنگ و دفاع از کشور – که معمولاً کار جنگ و دفاع از کشور و دفاع از مرزها کار دولتها است، کار مردم نیست؛ کار ارتشها است، کار دولتها است – با مدیریت درست و با گزینش‌های صحیح توانست مردم را بسیج کند، وارد این میدان کند و جنگ را ببرد. وقتی مردم در کار دفاع از مرزها وارد میدان شدند – کاری که مربوط به دولتها و مربوط به ارتشها است – توانستند پیش بروند؛ بسیاری از برجستگان نظامی ما، مردمی و بسیجی‌اند؛ بسیجی بودند و بسیجی هم مبارزه کردند، بسیجی هم شهید شدند؛ خب کار اقتصاد به طریق اولی^۱ [همین‌طور است]. کار اقتصاد یک کار مردمی است؛ اگر در زمینه‌ی مسائل اقتصادی مردم را در میدان وارد بکنیم و مردم نقش‌آفرین بشوند در میدان اقتصاد و میدان تولید، یقیناً پیش خواهد رفت. ۱۳۹۶/۰۱/۰۱

- در نگاه به سال ۹۳ آنچه به نظر این حقیر مهم‌تر از همه است، دو مسئله است: یک مسئله همین مسئله‌ی اقتصاد و دیگری مسئله‌ی فرهنگ است. در هر دو عرصه و در هر دو زمینه توقعی که وجود دارد، تلاش مشترکی است میان مسئولان کشور و آحاد مردم. آنچه برای بنای زندگی و سازندگی آینده مورد انتظار است، بدون مشارکت مردم تحقق‌پذیر نیست. بنابراین علاوه بر مدیریتی که مسئولین باید انجام بدهند، حضور مردم در هر دو عرصه لازم و ضروری است؛ هم عرصه‌ی اقتصاد، هم عرصه‌ی فرهنگ. بدون حضور مردم کار پیش نخواهد رفت و مقصود تحقق پیدا نخواهد کرد. مردم در گروه‌های گوناگون مردمی با اراده و عزم ملی می‌توانند نقش‌آفرینی کنند. مسئولین هم برای اینکه بتوانند کار را به‌درستی پیش ببرند، احتیاج به پشتیبانی مردم دارند. آنها هم بایستی با توکل به خدای متعال و با استمداد از توفیقات و تأییدات الهی و کمک مردمی، مجاهدانه وارد میدان عمل بشوند؛ هم در زمینه‌ی اقتصاد و هم در زمینه‌ی فرهنگ. من ان شاء الله توضیح همه‌ی این موارد را در سخنرانی روز جمعه به عرض ملت ایران خواهم رساند. لذا به گمان من آنچه در این سال جدید پیش رو داریم، عبارت است از اقتصادی که به کمک مسئولان و مردم شکوفایی پیدا کند، و فرهنگی که با همت مسئولان و مردم بتواند سمت و سوی حرکت بزرگ کشور ما و ملت ما را معین کند. لذا من شعار امسال را و نام امسال را این قرار دادم: «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی». ۱۳۹۲/۱۲/۲۹

- اگر ملت ایران همین سرعت و شتاب پیشرفت را — چه در زمینه علمی، چه در زمینه سیاسی، چه در زمینه اجتماعی، چه در زمینه فرهنگی و معرفتی — حفظ کند، بلاشک زمان زیادی طول نخواهد کشید که در جایگاه شایسته‌ی خود قرار خواهد گرفت؛ آن چیزی که شایسته‌ی ملت ایران است. بخش زیادی از این مسئله با آموزش و پرورش ارتباط دارد، بخش مهمی از آن به مدیران کشور در زمینه‌های اجرایی ارتباط پیدا میکند؛ اینها است که مسائل کشور را حساس میکند در نظر هر انسان بصیر و بیننده‌ای؛ اینها است که حماسه لازم دارد. بدون حماسه، این جهشها به وجود نمی‌آید. آن وقتی که حماسه باشد، شور و نشاط باشد، جهش قابل تصور است؛ میتوان فرض کرد که جهش انجام بگیرد. ما در دوران دفاع مقدس این را امتحان کردیم؛ در هر جایی هم که مردم مشارکت داده شدند، این را امتحان کردیم. ان شاء الله در زمینه‌ی حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی هم باید این را ملت ایران به چشم ببیند؛ و بخش زیادی از این، به عهده‌ی شما معلمین عزیز است. ۱۳۹۲/۰۲/۱۸

- تصور نشود ما میتوانیم سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه‌ی با مفاسد اقتصادی؛ و تصور نشود که مبارزه‌ی با مفاسد اقتصادی موجب میشود که ما مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری مردم را کم داشته باشیم؛ نه، چون اکثر کسانی که میخواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالمند، مردمان سالمی هستند؛ ۱۳۹۱/۰۶/۰۲

- حضور مردم چه جوری است؟ این، همان نکته‌ی اصلی است. اینجاست که مسئولین باید زمینه‌ها را، مدل‌ها را، فرمولهای عملی و قابل فهم عموم را، فرمولهای اعتمادبخش را برای مشارکت مردم فراهم کنند. در هر بخشی میشود این کارها را کرد. هم قوه‌ی مجریه، هم قوه‌ی قضائیه، هم قوه‌ی مقننه به شیوه‌ی خاص خود میتوانند این را تأمین کنند؛ از ابتکار مردم، از فکر مردم، از نیرو و انگیزه‌ی مردم، از نشاط جوانی جوانان ما – که قشر عظیم و وسیعی هستند – میتوانند استفاده کنند؛ این جزو کارهایی است که باید ان‌شاءالله با سازوکار شفاف از سوی مسئولین انجام بگیرد. البته کارهایی در زمینه‌های مختلف شده است، راه‌هایی باز شده است؛ اما بیش از این میشود کار کرد و حضور همه‌ی مردم را تأمین کرد، تا یک جوان، یک پیر، یک صنعتگر، یک مبتکر بداند که در این حرکت عمومی در کجا قرار میگیرد. همه چیز با یک چنین سازوکاری به سامان میرسد؛ مثل گذشته. ۱۳۹۰/۰۷/۲۰

- مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد، لازم است. این نیازمند توانمند شدن است، نیازمند اطلاعات لازم است؛ که اینها را باید مسئولین در اختیار مردم بگذارند و امیدواریم ان شاء الله این روند روز به روز توسعه پیدا کند. البته رسانه‌ها نقش دارند، رادیو و تلویزیون نقش دارند، میتوانند مردم را آگاه کنند؛ دولت هم باید فعال برخورد کند و بتوانند ان شاء الله مسئله‌ی اقتصادی را پیش ببرند. ۱۳۹۰/۰۱/۰۱
- مردم‌سالاری دینی با حرف نمی‌شود؛ مردم‌سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، اراده‌ی مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور صورت می‌گیرد؛ این هم جز با یک انتخابات صحیح و همگانی و مشارکت وسیع مردم ممکن نیست. این مردم‌سالاری، عامل پایداری ملت ایران است. ۱۳۸۸/۰۱/۰۱

- – امور سیاسی، دفاعی و امنیتی

- تقویت حضور و مشارکت مردم در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی. ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

- ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه

- مردم ما اهل خیرند. این واقعیت را نباید نادیده گرفت. مال حالا هم نیست، از سابق هم همین طور بوده، حالا هم بیشتر هست. این نهضت مدرسه‌سازی - خیرین مدرسه‌ساز - همین قدر که راه باز میشود برای اینکه مردم بیایند و کمک کنند، شما ببینید چقدر مردم کمک میکنند. این نهضت درمانگاه‌سازی و بیمارستان‌سازی که از قبل از انقلاب در مشهد راه افتاد؛ الان شاید بهترین بیمارستان مشهد یا یکی از بهترین بیمارستانهای مشهد، بیمارستانی است که با همین پولهای مردم اداره میشود و همین خیرین آن را اداره میکنند. در جاهای دیگر هم هست. اخیراً چند ماه قبل از این، از شیراز کسانی آمده بودند پیش من که اینها راجع به کارهای بهداشتی و درمانی کارهای بسیار باارزش و مفیدی انجام داده بودند، که ما توصیه کردیم این را با جاهای دیگر هم در میان بگذارید و انجام دهید. مردم این جورند. این کارها را افراد خیر، افراد ثروتمند میتوانند انجام بدهند. همین جا ما در تهران بیمارستانی داشتیم که شاید مرجع چقدر از مجروحین تظاهرات بود؛ همین بیمارستان بازرگانان. یک عده خیر این کارها را انجام میدهند؛ راه میاندازند. مردم ما این جورند؛ اهل خیرند. و کسانی که حالا اوقافی دارند و این همه وقف، این همه کارهای فی سبیل‌الله، اینها ناشی از وجود ثروت افراد است. ما با این بد نیستیم. چرا بیخود در بیرون منعکس بشود که نظام اسلامی و مسئولان کشور، تا کسی بخواهد یک مقدار پول به دست بیاورد، اخمهاشان را در هم میکنند؛ احساس بغض و نفرت نسبت به او میکنند. این جوری نیست؛ واقعیت این نیست.

- این اشکال به نظر ما اشکال واردی نیست. یکی از دوستان نزدیک و بسیار خوب ما به من گفت که میگویند این سیاستهای اصل ۴۴ که شما ابلاغ کردید، موجب ثروتمند شدن افراد و وارد شدن سرمایه‌دارها به میدان میشود. من گفتم اصلاً ما این سیاستها را ابلاغ کردیم برای اینکه همین کار بشود؛ برای اینکه بیایند وارد میدان بشوند، سرمایه‌گذاری کنند، فعالیت اقتصادی کنند. میگویند اینجوری میشود؟! ما اصلاً برای همین ابلاغ کردیم که این کار بشود. ۱۳۸۵/۱۱/۳۰

- ما می‌توانیم توسعه‌ی نمونه و مبتنی بر فرهنگ اسلامی و ملی خود را در این کشور به وجود بیاوریم؛ این یک آرزوی خام و یک خیال واهی نیست. می‌توان ایران را به یک کشور پیشرفته تبدیل کرد؛ یعنی همین مسیری را که انقلاب تا امروز پیموده است، با سرعت بیشتر و با جهت‌گیری بهتر و قوی‌تر ادامه داد؛ اما این مشروط به شرط لازم آن است، که عبارت است از تلاش ملی و همه‌جانبه. این تلاش همه‌جانبه و عمومی دارای سه ضلع اساسی است: یک ضلع عبارت است از همت و تلاش مسئولان کشور؛ یک ضلع عبارت است از همکاری و شرکت مردم در بخشهایی که وظیفه‌ی اساسی آن‌هاست؛ و ضلع سوم عبارت است از ایجاد مناسبات صحیح اقتصادی و اجتماعی در کشور، که این، هم بر عهده‌ی مسئولان و هم بر عهده‌ی مردم است. من توضیح مختصری در باره‌ی هرکدام از این موارد عرض می‌کنم. ۱۳۸۳/۰۴/۱۵

- ایجاد عزم ملی بر احیای منابع طبیعی تجدید شونده و توسعه‌ی پوشش گیاهی برای حفاظت و افزایش بهره‌وری مناسب و سرعت بخشیدن به روند تولید این منابع و ارتقاء بخشیدن به فرهنگ عمومی و جلب مشارکت مردم در این زمینه. ۱۳۷۹/۱۲/۲۰

- نامه به سران قوای سه‌گانه و ابلاغ سیاستهای کلی نظام

- نوبت انتخابات هم که می‌رسد، مردم همین‌طور شرکت می‌کنند. نوبت دفاع مقدس هم که می‌رسد - جنگ هشت‌ساله‌ی ما - مردم همین‌گونه از همه جا شرکت می‌کنند؛ همه شهید می‌دهند؛ همه برای خدا وارد میدان می‌شوند و همه حول یک احساس وظیفه‌ی مشترک، اقدام می‌کنند. حتی در دوران دفاع مقدس، در بین داوطلبان ما - سرباز وظیفه که به جای خود محفوظ - هم میهنان غیر مسلمان هم شرکت داشتند. مسیحیانی بودند که داوطلبانه به میدان جنگ رفتند و جانشان را هم در این راه فدا کردند. این‌ها را دیدیم، شناختیم و می‌شناسیم. یعنی وحدت عجیبی در میان ملت ما وجود دارد؛ باینکه دشمن هم برای از بین بردن آن خیلی کار کرده است. بنابراین، در داخل کشور ایران اسلامی، به برکت حاکمیت اسلام و به برکت وجود محورهای اساسی وحدت آفرین، هر دو محور ذکر الهی و وحدت عمومی تأمین است و در آینده هم ان شاء الله مثل گذشته خواهد بود. نگرانی، بابت امت اسلامی است؛ چون متأسفانه در سطح امت اسلامی، شرایط، این‌گونه نیست. ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

• مطلب دیگری که در همه‌ی زمینه‌های سازندگی لازم است، این است که ما به صورت یک اصل، از اوایل انقلاب، روی مشارکت مردم تکیه کردیم. امام رضوان الله تعالی علیه، مکرر در مکرر، در باره‌ی مشارکت دادن مردم، توصیه می‌کردند و حرف می‌زدند. آن روزها، تفکری هم وجود داشت که مردم را تقریباً از میدانهای گوناگون دور می‌کرد. بعد هم بحمد الله همه به این رسیدند که نه؛ مردم بایستی در مسائل گوناگون کشور، چه مسائل اقتصادی و چه سایر زمینه‌ها - در مسائل سیاسی که بحمد الله حالا هم دخالت دارند - شرکت و دخالت داشته باشند. امروز هم این طوری است؛ باید هم باشد. این، یک اصل هم هست که مردم بایستی در کارهای دولت، سهام، شریک، همکار و مباشر کار باشند؛ لیکن نکته‌ی اساسی که در اینجا وجود دارد، این است که نوع دخالت مردم، نباید منجر به این شود که بعضی از قشرهای مردم یا بعضی از افراد زرنگ در میان مردم، سودهای کلان و بادآورده ببرند؛ در حالی که عده‌ی دیگری از مردم، در اولیات زندگی در بمانند. یعنی همان مسأله‌ی اساسی عدالت اجتماعی و رسیدگی به همه‌ی قشرها در بخشهای مختلف، باید مورد توجه قرار گیرد. الآن در بخشهای مختلف کشور، دولت در وزارتخانه‌های مختلف، یا طبق قانون، یا طبق سیاستهایی که در این وزارتخانه‌ی خاص وجود دارد - که خوب هم هست و ایرادی ندارد - هر کدام به نحوی مسائلشان را با مردم، هماهنگ و متوازن می‌کنند؛ لیکن حتماً باید توجه کنید که از قبل امکانات و موجودی دولت - که متعلق به همه‌ی مردم است - این طور نشود که ثروتهای بادآورده‌ای به وجود آید و در مقابل، همچنان که لازمه‌ی وجود ثروت بادآورده در کشور است، عده‌ای محروم بمانند. ۱۳۷۵/۰۶/۰۸